

بررسی حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

طیبه ابراهیمی^۱، معصومه دستگردی^۲، محمدمهدی کریمی نیا^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته کلام اسلامی، مرکز تخصصی نور الزهراء (سلام الله علیها)، ساری، استان مازندران، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی
^۲ سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته کلام اسلامی، مرکز تخصصی نور الزهراء (سلام الله علیها)، ساری، استان مازندران، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی
^۳ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم
^۴ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول)

چکیده

حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)، دخت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ستایشگران بی شمار دارد و از فضایل، مناقب و مقامات عالییه او ستایش های فراوانی شده است. دوست و دشمن، به کمال و عظمت او اعترافات کرده و جلالت شأن وی را ستوده اند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: و او پاره تن من است و او قلب من است که میان دو پهلو من قرار دارد؛ پس کسی که او را اذیت کرده و کسی که مرا بیازارد خداوند را آزرده است. یکی از فضائل و مقاماتی برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) این است که ایشان حجت خدا بر بندگان هستند. شنیده شده است که برخی از بزرگان، به استناد ذکر نشدن «یا حجت الله علی خلقه» در دعای توسل در ذیل توسل به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در حجت خدا بودن ایشان تشکیک کرده اند. این مقاله با بررسی کتب تاریخی و حدیثی و به روش توصیفی، در پایان، با روایت امام صادق، روایات حضرت زهرا (سلام الله علیها)، عصمت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و کفویت ایشان با حضرت علی (علیه السلام) این مسئله را ثابت می کند که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) حجت خدا بر بندگان است.

واژه های کلیدی: حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، حجت خدا، دعای توسل، عصمت، کفویت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

سخن گفتن از شخصیت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فراتر از برهه ولادت تا شهادت است. وی دخت پیامبری بود که انسان آن عصر را فراتر از زمان به حرکت واداشت و همسر بزرگ مردی بود که از ارکان حق و امتداد راه و رسم برترین پیامبر در تاریخ انسانی شمرده می‌شد. فاطمه زهرا عصاره وجود نازنین رسول خدا و میوه قلب او و ثمره رنج‌های عظیم وی در مسیر تکامل انسانیت است. دانشمند وارسته و عارف فرهیخته امام خمینی (رحمة الله علیه) در معرفی ایشان می‌فرماید: «همه هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد همه در این زن است؛ زنی که همه خاصه‌های انبیا در اوست؛ زنی که اگر مرد بود، نبی بود. زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله بود» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۳۳۷). بانویی که در سنین کم و در عمر کوتاه خود به مقامات معنوی و علمی و معرفتی و به مرتبه‌هایی می‌رسد که برابر مرتبه انبیا و اولیاست. یکی از مقامات وجود مقدس حضرت زهرا (سلام الله علیها) که می‌توان برای ایشان برشمرد «حجت خدا بودن» ایشان است؛ یعنی مقام فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فوق العاده مقام بالایی است که در عداد حجج الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) قرار می‌گیرد.

بنابر آنچه معروف است، دلیل حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) روایتی است که به امام حسن عسگری منسوب است که می‌فرماید: «نحن حجج الله علی خلقه وجدتنا فاطمة حجة الله علينا». مصدر این روایت، تفسیر «أطیب البیان در تفسیر القرآن» تألیف علامه سید عبدالحسین الطیب است. روایت مذکور، قبل از این کتاب، در هیچ منبع روایی معتبر و غیر معتبر یافت نشده است و بنابر این، قابل استناد نمی‌باشد. از همین رو، مقاله حاضر، به ادله دیگری برای اثبات حجت خدا بودن حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) استناد کرده است.

این مقاله به روش توصیفی و با مراجعه به کتب معتبر روایی، در ابتدا دلیل قول به عدم حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) را مطرح می‌کند و پس از بررسی دلیل این قول، ادله حجت خدا بودن حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را تبیین و تشریح می‌نماید.

۱. مفهوم شناسی حجت

واژه «حج» که حجت هم برگرفته از آن است معانی گوناگون دارد معنای معروف آن قصد است. به حج خانه خدا هم که حج گفته می‌شود بدین مناسبت است که قصد به خانه خدا برای انجام مناسک در آن ملحوظ شده است. به راه روشن «محجّه» گفته می‌شود، چون مقصود است. «حجت» هم برگرفته از همین معنی است چون حجت مورد قصد است و با آن می‌توان به حق مطلوب رسید. در نتیجه، «حجت» به معنای برهانی است که به وسیله آن می‌توان به مطلوب رسید. (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۰۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۸؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۲۶؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۶۸)

در آیه «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (انعام، ۱۴۹)، حجت بالغه به این معناست که دلایل خداوند برای بشر بسیار روشن و رساست به گونه‌ای که جای هیچ‌گونه تردید برای افراد باقی نمی‌گذارد. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد معنای آیه چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند در روز رستاخیز به بنده خویش می‌گوید: بنده من، آیا می‌دانستی و گناه کردی؟ اگر بگوید آری، می‌فرماید چرا به آنچه می‌دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگوید نمی‌دانستم، می‌گوید چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ در این موقع فرد می‌ماند. این همان حجت بالغه است» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۷۶). در زبان فارسی هم این واژه به این معنا تفسیر شده که: آنچه با آن بتوان ادعائی را اثبات کرد، دلیل، برهان. (انوری، اخیانی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۴۷۱)

۲. معنای حجت خدا

سنت خداوند بر آن است که «تمام حجت» کند؛ یعنی به صورت روشن راه را از چاه مشخص کرده و بگوید که راه سعادت کدام است؟ قاعده لطف که از قواعد مسلم علم کلام است گویای همین مضمون است. این قاعده می‌گوید که لطف بر خداوند واجب است، یعنی باید با ارسال رسل و انزال کتب زمینه‌های قرب بنده به خداوند و دوری‌اش را از نافرمانی فراهم سازد. «لطف» روشنگری و بیان صراط هدایت است. به تعبیر مرحوم شعرانی «لطف به معنای الجاء و اجبار مردم به طاعت نیست بلکه به معنای هدایت و تسهیل اسباب است که اگر خواست به اختیار خویش اطاعت کند». (شعرانی، ۱۳۶۹، ص ۹۶) که خداوند از آغاز خلقت انسان این «لطف» را بر انسان ارزانی داشته و تا قیامت هم خواهد داشت.

خداوند برای انسان دو حجت قرار داده است یکی حجت باطنی است که همان عقل است که او را دعوت به اطاعت از خداوند و بندگی می‌نماید و حجت دوم انبیاء و رسل و امامان آنها هستند. حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «ای هشام خدا بر مردم دو حجت دارد حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امامان‌اند و حجت پنهان عقل‌های آن‌هاست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶).

مقصود از اینکه عقل حجت است هر برداشتی را که معمولاً انسان‌ها دارد و می‌گوید من با عقلم چنین می‌فهمم نیست! بلکه مقصود مستقلات عقلیه است یعنی عقل انسان ادراکاتی دارد که انبیاء هم نباشند، امامان هم نمی‌بودند آنها را داشت مثل وجوب اطاعت از منعم، دفع ضرر محتمل، قبح عقاب بلا بیان و... و... مقصود از حجت بودن انبیاء و امامان نیز این است که راه سعادت را باید از آنان آموخت؛ آنها هستند که راهنمای به قلّه رفیع سربلندی و سعادت انسان هستند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «یعنی زمین پیوسته حجتی الهی را در خود دارد که حلال را از حرام می‌شناساند و مردم را به راه خداوند تبلیغ می‌کند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۸)

بنابر این، معنای حجت بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) این است که حلال و حرام خداوند را به مردم می‌رساند و بر مردم واجب است که به گفته‌های ایشان عمل کنند.

۳. ادله قول به عدم حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

در زمینه حجت خدا نبودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) بررسی‌های زیادی صورت نگرفت. قول‌ها و سخنان اندیشمندان دینی نشان می‌دهد که در این زمینه چیزی بیان نشده است و هیچ بزرگی در کتابی نقل نکرده است. فقط در حد شنیده‌هاست؛ یعنی شنیده شده از بعضی از بزرگان که در حجت خدا نبودن حضرت زهرا تشکیک کردند، به این دلیل که: در دعای توسل برای معصومین حتی خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله) «یا حجه الله علی خلقه» داریم ولی در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) این لفظ بکار برده نشده است. این مسئله نشان می‌دهد که تمامی امامان معصوم «حجت خدا بر خلق» هستند و به ما آموزش داده شده که امامان معصوم را به این نام بخوانیم. برای نمونه در مورد حضرت امیرالمؤمنین، خطاب این‌گونه است:

«يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا»

برای تمامی امامان معصوم عبارت «يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ» تکرار شده است ولی این عبارت را در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) نمی‌بینیم. از این مسئله برداشت می‌شود که حضرت زهرا (سلام الله علیها) حجت خدا بر بندگان نیست و گرنه خداوند برای حضرت صدیقه طاهره نیز از این عبارت استفاده می‌کرد. (فاضل استرآبادی، ۱۳۹۴)

۴. بررسی دلیل قول به عدم حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

دلیلی که برای حجت خدا نبودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) مطرح شده را نمی توان پذیرفت، چرا که عبارت «یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰی خَلْقِهِ» در مورد پیامبر نیز نیامده است. پس بنا بر دلیل فوق باید گفت که پیامبر بزرگ اسلام نیز حجت خدا بر بندگان نیست. در صورتی که هیچ کس این قول را نمی پذیرد. علاوه بر اینکه ادله فراوانی وجود دارد که ایشان حجت خدا بر خلق هستند. از جمله اینکه:

در آیه ۱۶۵ سوره نساء می خوانیم:

«رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَلَّيْكَوْنَ لِلنَّاسِ عَلٰی اللّٰهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا؛

رسولانی را فرستاد که (نیکان را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند تا آنکه پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد و خدا همیشه مقتدر و کارش بر وفق حکمت است».

در این آیه خداوند تصریح می کند که پیامبران حجت خداوند هستند بر بندگان و پیامبر اعظم، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) خاتم و افضل پیامبران است و در نتیجه به طریق اولی حجت خداوند بر بندگان خواهد بود.

۵. دلایل حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

در مقابل ادله قائلان به حجت خدا نبودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) که قابل خدشه بود و در نتیجه نمی توان آن قول را پذیرفت، دلایل فراوانی وجود دارد که نشان می دهد آن حضرت در ردیف ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) حجت خداوند بر بندگان محسوب می شود. برای این مدعا می توان چند دلیل اقامه کرد:

۱-۵. روایت امام صادق (علیه السلام) در حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که ایشان فرمود: «خدای تعالی ارواح را دو هزار سال قبل از خلقت بدن ها آفرید و شریف ترین و برترین روح ها را، ارواح محمد، علی، فاطمه و حسنین و ائمه نه گانه از نسل حسین بن علی قرار داد و آنان را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کرد، نور چهارده معصوم همه جا را فراگرفت و جهانگیر شد. آنگاه از جانب حق تبارک و تعالی به آسمان ها و زمین خطاب آمد که: اینان اند دوستان و اولیاء من و اینان حجت های من بر همه مخلوقاتم هستند. هیچ یک از آفریدگانم نزد من محبوب تر از آنان نیست؛ بهشتم را برای دوستان آنان و آتش دوزخم را برای مخالفین و اذیت کنندگان آنان آفریده ام؛ پس ولایتشان امانت من است در نزد مخلوقاتم. به جز این برگزیدگان من، آیا کیست که بتواند این بار امانت را با تمام سنگینی اش بر دوش کشد و یا مدعی این مقام باشد؟» (قمی، بی تا، ج ۶، ص ۲۰۷)

در این روایت امام صادق (علیه السلام) تصریح دارد که خداوند فرموده است که چهارده معصوم حجت خدا بر بندگان هستند؛ و از آنجا که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) یکی از چهارده معصوم محسوب می شود و خداوند ایشان را در عداد ائمه معصومین محسوب می کند، پس از این روایت برداشت می شود که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حجت خدا بر بندگان خواهند بود.

همان گونه که گفتیم، دلالت این روایت بر حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) صریح است؛ اما علاوه بر این روایت، به وسیله ادله دیگری نیز می توان حجت خدا بودن ایشان را ثابت کرد که در ادامه به آن ادله می پردازیم.

۲-۵. روایات حضرت زهرا (سلام الله علیها) در حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

با توجه به معنایی که از حجت بودن مطرح کردیم و گفتیم که حجت به معنای این است که حلال و حرام خداوند را به مردم می رساند و بر مردم واجب است که به گفته های ایشان عمل کنند، حجت بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) قطعی است؛ زیرا

روایات متعددی از حضرت زهرا (سلام الله علیها) نقل شده است که در برخی موارد امامان معصوم (علیهم السلام) از ایشان نقل روایت می کنند و حتی در دلیل یک حکم فقهی به کلام حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) استشهدا می کنند. علاوه بر روایت امام علی، امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام کلثوم (علیهم السلام) از حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، عده قابل توجهی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حضرتش روایت نقل کرده اند؛ از قبیل سلمان فارسی، ابوذر غفاری، جابر بن عبدالله انصاری، ابن مسعود، یحیی بن جعده، حکم بن ابی نعیم، عمرو بن الشرید، حذیفه بن الیمان، ربیع بن حراش، انس بن مالک، ابوسعید خدری، ابن ابی ملیکه، ابویوب انصاری، ابوهریره، بشیر بن زید، سهل بن سعد انصاری، شیبب بن ابی رافع، عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن عباس، عوانه بن الحکم، قاسم بن ابی سعید الخدری، هشام بن محمد، زینب بنت ابی رافع، عایشه، ام سلمه، اسماء بنت عمیس، سلمی ام رافع و غیر اینها که می توان به روایات آنها در کتابهای «دلایل الامامه» و «بشارة المصطفی»، «امالی شیخ طوسی»، «کفایة الاثر»، «مسند فاطمه (سلام الله علیها)» و صدها کتاب دیگر دست یافت. برای نمونه به چند روایت اشاره می شود:

الف. حضرت علی (علیه السلام) در بحث تجهیز مردگان، به کلام حضرت زهرا (سلام الله علیها) استناد می کند و می فرماید: «حضرت زهرا بعد از ارتحال رسول به زنان بنی هاشم که او را در ماتم یاری می کردند و زینت ها را رها کرده و لباس سوگ در بر نموده، مرثیه می خواندند، فرمود این حالت را رها کنید و بر شماسست دعا و نیایش» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۷۵)

ب. حماد بن عثمان می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: «بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جبرئیل بر حضرت زهرا (سلام الله علیها) نازل می شد. وجود مبارک این بانو، کلمات جبرئیل را می شنیدند و به امیرالمؤمنین (علیه السلام) می گفتند و امام هم آن را می نوشتند تا اینکه مصحفی از این کلمات درست شد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۹۷)

ج. امام صادق (علیه السلام) از پدران نقل می کند که می فرمودند: حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرموده است: روزه داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل ننماید، هیچ سودی از روزه خود نمی برد. (مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۹۳، ص ۲۹۴)

د. زید بن علی از پدران نقل می کند که می فرمودند: «حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) روز جمعه نزدیک غروب آفتاب به غلام خود می فرمود: بالای پشت بام برو، هر موقع نصف خورشید غروب کرد مرا خبر کن تا برای خود و دیگران دعا کنم». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۸۴)

۳-۵. عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

عصمت به معنای محفوظ ماندن، مصونیت (فیومی، ۱۴۱۴، ذیل واژه «عصم») پاکدامنی و نگهداشتن نفس از گناه، (دهخدا، ۱۳۳۹، ذیل واژه «عصمت») «وسیله بازداشتن» و «بزار مصونیت» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه «عصم») تعاریف مختلفی از عصمت ارائه شده است. معروف ترین تعریف عصمت، تفسیر آن بر اساس «لطف الهی» است. (الشریف المرتضی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲۶) بر این اساس خداوند آن را به بعضی انسانها اعطا می کند و در پرتو آن، دارنده عصمت در عین قدرت بر انجام گناه و ترک طاعت، از ارتکاب گناه و ترک طاعت مصونیت می یابد. علامه طباطبایی در معنای عصمت می فرماید: «عصمت ملکه ای است نفسانی که انسان را از اینکه در خطا واقع شوند و مرتکب گناه گردد باز می دارد». (تفسیر المیزان، ج ۲، ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره).

بنابراین عصمت، مصونیت و محفوظ بودن از خطاست و معصوم کسی است که با داشتن کمالات نفسانی در عین داشتن قدرت بر گناه، از گناه، خطا و لغزش به دور است.

در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) آیات و روایات فراوانی درباره مقام و منزلت ایشان بیان گردیده است که هر کدام به نحوی از مقام والا و منبع این بانوی گرامی دارد؛ اما دلایل زیادی را می توان اختصاصاً به مسئله عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بیان کرد. از جمله، دلایل عقلی که عصمت ائمه اطهار را از گناه اثبات می کند، عصمت این حضرت را نیز به اثبات می رساند.

یکی دیگر از ادله عصمت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) آیه تطهیر است. خداوند متعال می فرماید:

«...أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، (احزاب، ۳۳)؛

خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند».

در برخی منابع شیعه و اهل سنت آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در توضیح این آیه گفته اند: «من و اهل بیتم از گناه طاهریم» (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۷۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۰۸).

حضرت علی (علیه السلام) نیز در جریان فدک با استناد به این آیه منزه بودن از گناه حضرت زهرا (سلام الله علیها) را اثبات می نماید. (طبری، ۱۳۸۳ش، ص ۲۵۶)

نکته جالب توجه این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن قدر به این موضوع اهمیت می دادند که بعد از نزول آیه در شأن اهل بیت، شش یا نه ماه به طور مرتب در هنگام هر نماز به خانه فاطمه می آمدند و این آیه را تلاوت می کردند و برمی گشتند که ابن عباس هم به این نکته اشاره کرده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸)

استدلال به این آیه شریفه متوقف بر چند مقدمه است: مقدمه اول: خداوند تنها اراده کرده است که اهل بیت را تطهیر کند. مقدمه دوم: اراده تشریحی خداوند درباره تطهیر و پاک کردن بندگان، اختصاص به کسی ندارد. مقدمه سوم: وقتی اراده تشریحی، اختصاصی به کسی ندارد، پس خداوند با اراده تکوینی خود خواسته است که این بندگان پاک باشند. مقدمه چهارم: اراده تکوینی خداوند نیز حتماً محقق می شود و تخلف پذیر نیست. مقدمه پنجم: تطهیری که در این آیه بیان شده، هیچ قیدی ندارد و به صورت مطلق است و هرگونه پلیدی و ناپاکی را نفی می کند. مقدمه ششم: هیچ طایفه ای از مسلمانان، ادعای عصمت هیچ یک از منسوبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به جز شیعه ندارد که معتقد به عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) و ائمه دوازده گانه (علیهم السلام) هستند؛ بنابراین، این آیه عصمت و مصونیت امامان شیعه از گناه و خطا را اثبات می کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۱۰-۳۱۲)

دلیل دیگر بر عصمت، حدیث ثقلین است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترتی اهل بیتی الا وانهما لَنْ یفترقا حتی یردا علی الحوض، (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۷، ص ۳۰۹)؛

من بعد از خودم در میان شما دو چیز گران بها می گذارم که اگر به آنها تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از آنها که بزرگ تر از دیگری است، کتاب خدا است که ریسمان ممتدی از آسمان تا زمین؛ و دیگری عترت و اهل بیت من هستند. آگاه باشید که این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض (کوثر) بر من وارد شوند».

این روایت از چند جهت عصمت اهل بیت را ثابت می کند:

الف. در این روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اطاعت مطلق و بدون قید و شرط از قرآن و اهل بیت را برای همه مسلمانان واجب می کند. دستور به اطاعت مطلق، نشانه عصمت فرد مورد اطاعت است؛ زیرا محال است که خداوند دستور به اطاعت

مطلق از کسی را بدهد که می‌داند احتمال خطا و اشتباه در گفته‌های آن شخص وجود دارد و ممکن است با کتاب خدا و سنت رسولش مخالفت نماید.

ب. در این روایت به جدایی‌ناپذیری و عدم مخالفت قرآن و اهل‌بیت صحبت شده است. در صورتی که اگر اهل‌بیت مرتکب گناه و اشتباه شوند، در همان لحظه از قرآن جدا شده‌اند و اعتقاد به جدا شدن آن‌ها از قرآن، منجر به تکذیب سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواهد شد؛ بنابراین، این جمله نیز نشان‌دهنده عصمت امامان است.

ج. در این روایت، تمسک به کتاب خدا و اهل‌بیت، سبب نجات از گمراهی معرفی کرده است؛ پس همان‌طور که اطاعت از قرآن سبب هدایت و نجات از گمراهی می‌شود، اطاعت از اهل‌بیت نیز همین خاصیت را خواهد داشت و این امر در صورتی محقق می‌شود که امامان، از خطا و گناه مصون باشند.

حال، از آنجا که اگر کسی معصوم بود قول و فعل و تقریر او حجت خواهد بود و حجیت قول دایر مدار عصمت است یعنی این انسان کامل معصوم است و هیچ چیزی نمی‌گوید مگر به دستور خدا؛ چنین کسی فعل او و قول او و تقریر او می‌شود حجت. وجود مبارک حضرت فاطمه (سلام الله علیها) حجّه‌الله است برای اینکه اگر پیغمبر حجت است نه برای اینکه پیغمبر است برای این است که معصوم است و اگر امام، حجت است نه برای اینکه امام است بلکه برای این است که معصوم است.

آیت الله جوادی آملی با بیان این نکته که مرحوم کلینی در جلد اول کافی نقل می‌کند که بعد از رحلت وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله) جبرئیل می‌آمد و آن معارف الهی را بیان و حوادث آینده را تشریح و بازگو می‌کرد. صدیقه کبری (سلام الله علیها) هم اینها را می‌شنید بعد به حضرت امیر (علیه السلام) املاء می‌کرد و علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه السلام) نیز آنها را یادداشت می‌کرد و در نهایت مصحف فاطمه (سلام الله علیها) نام گرفت، می‌گوید:

«اگر خدا به حضرت ابراهیم (علیه السلام) یا برخی انبیای دیگر صحف داد به وجود مبارک صدیقه کبری (سلام الله علیها) هم صحیفه عطا کرده است منتها این صحیفه شریعت نیست؛ ولی اخبار غیبی هست، علوم و معارف الهی هست و مانند آن. این واقعاً مقدور ما نیست که جبرئیل می‌آید یعنی چه؟! چگونه تنزل می‌کند؟ این چه وحی‌ای است که بر غیر نبی می‌آید! چه وحی‌ای است که بر غیر امام می‌آید! این چه وحی‌ای است که بر حجّت خدا بر معصومه کبری می‌آید». (جوادی آملی، ۱۳۹۴)

۶. کفویت با حضرت علی (علیه السلام)

یکی از دلایلی که می‌توان برای حجت خدا بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) ارائه کرد، کفویت حضرت ایشان با امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

یکی از مسائل فوق‌العاده مهم در ازدواج و اختیار همسر مسئله کفویت است؛ امری که اسلام به آن بسیار سفارش کرده است. غرض این است که زن و مرد درشانی باشند که بتوانند همسر، هم‌شان و همتای یکدیگر باشند، زبان و منطق هم را بفهمند و در بُعد اعتقادی مثل هم باشند و چون دو بال هم قدرت و هم‌توان باشند.

در ازدواج حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و حضرت علی (علیه السلام) باید گفت که کفو و همتای یکدیگر بودند. فاطمه (سلام الله علیها) می‌دانست که او را در این ازدواج به علت فقر حضرت علی (علیه السلام) سرزنش می‌کنند ولی در عین حال او را به عنوان شوهر برگزید چرا که علی بن ابیطالب (علیه السلام) را همتای مؤمن خود می‌شناخت.

امیر مؤمنان (علیه السلام) هم می‌دانست که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) هم پرواز اوست و می‌تواند همگام با او باشد. می‌دانست او توانائی آن را دارد که با روح عظیم علی (علیه السلام) همراه گردد. از همشانی و همسری او، از همدلی و هم سخنی او، از توان همرازی و مشاورت او خبر دارد و به همین علت او را به عنوان همسر برمی‌گزیند.

بررسی‌ها هم نشان می‌دهند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) کوه مقاومت و ایثار بود، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هم دست کمی از او نداشت، علی (علیه السلام) در فقر و ناداریِ اختیاری بود و آن را تحمل می‌کرد، فاطمه (سلام الله علیها) نیز این چنین بود. در پوشش و لباس، در احسان و تفضل، در فضایل انسانی و اخلاق، این دو هم‌اندیشه و همراه بودند. به فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) «اگر خداوند فاطمه را برای علی خلق نمی‌کرد، فاطمه کفوی در بر روی زمین نداشت، از حضرت آدم و بعد از او» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۷۴).

سخنی دیگر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در همین زمینه موجود است که فرمود: «جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد، خداوند جل جلاله می‌فرماید: اگر علی (علیه السلام) را خلق نمی‌کردم از نسل آدم و ذریه او همتایی فاطمه نبود». (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۵).

همچنین امام صادق (علیه السلام) در روایتی، پس از شمارش نام‌های حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می‌فرماید: «اگر علی نبود تا روز قیامت همتایی در روی زمین برای فاطمه وجود نداشت» (حداد، ۱۴۳۶، ص ۱۵۱) نکته‌ای که از این روایات برداشت می‌شود این است که: برخی از پیامبران جد فاطمه‌اند و اگر زنده بودند نمی‌توانستند با فاطمه (سلام الله علیها) ازدواج کنند. ولی موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) جد فاطمه (سلام الله علیها) نبودند و مثلاً اگر بنای ازدواج بود، حق ازدواج داشتند ولی به تصریح روایات ذکر شده، کفو او نبودند. این نشان می‌دهد که شأن فاطمه (سلام الله علیها) از انبیا اولوالعزم هم برتر است.

آنچه از ظاهر این روایات به دست می‌آید، کفویت این دو معصوم، از تمام جهات بوده است که در این صورت، حضرت زهرا (سلام الله علیها) در حجت خدا بودن نیز کفو حضرت علی (علیه السلام) است. در نتیجه با کفویت علی بن ابیطالب (علیه السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حجت خدا بودن حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) اثبات می‌شود. مسعودی در اسرار الفاطمیة می‌گوید: «از این روایات [روایات فوق] برداشت می‌شود که بیشتر مقالاتی که برای امیر مؤمنان علی علیه السلام ثابت است، برای صدیقه شهیده فاطمه زهرا علیها سلام نیز ثابت خواهد بود. پس این دو در ایمان و تقوی در یک منزل بود، در غیر این صورت هر کدام کفو دیگری نمی‌شدند؛ و بنابر این، فاطمه حجت خدا بود بر ائمه علیهم السلام، همانگونه که امیرالمؤمنین علیه السلام حجت بر ائمه علیهم السلام بودند»، (مسعودی، اسرار الفاطمیة، بی تا، ص ۸۵).

نتیجه گیری

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یکتا و یگانه زنی بود که در اسلام مورد توجه خاص عموم مردم و علی الخصوص افراد محقق و پژوهشگر و تاریخ‌نویس از هر دین و آیین و مذهبی قرار گرفته است. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شخصیتی است که حدّ و مرز را شکسته و گستره افق او همه‌جا را فرا گرفته است؛ و لذا حتی اهل سنت نیز درشان و منزلت و مقام و زوایای زندگی پربار او سخن گفته‌اند.

وجود مبارک صدیقه کبری (سلام الله علیها) یک سلسله مقاماتی دارد که واقعاً فهم آن برای ما مقدور نیست. یکی از این مقامات حضرت زهرا (سلام الله علیها) حجت بودن ایشان بر اولاد کرامتش (علیهم السلام) است.

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عصاره وجود نازنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و میوه قلب او و ثمره رنج‌های عظیم وی در مسیر تکامل انسانیت است زنی که همه خاصه‌های انبیا در اوست بانویی که در سنین کم و در عمر کوتاه خود به مقامات معنوی‌ای و علمی و معرفتی و به مرتبه‌های می‌رسد که برابر انبیا و اولیاست

یکی از مقامات وجود مقدس حضرت زهرا س حجت خدا بودن ایشان است یعنی باید راه سعادت را از آنان آموخت. در مورد حجت خدا نبودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) نمی توان به عبارت «یا حجه الله علی خلقه» که در دعای توسل در مورد امامان دیگر آمده استناد کرد چرا که در مورد حضرت رسول هم چنین نیامده است. در مقابل، دلایل فراوانی وجود دارد که نشان می دهد که آن حضرت در ردیف ائمه اطهار، حجت خدا بر بندگان است. ۱. روایتی از امام صادق (علیه السلام) تصریح دارد که خداوند فرموده است که چهارده معصوم حجت خدا بر بندگان هستند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم یکی از چهارده معصوم است. ۲. از حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) روایاتی نقل شده است. عمل به این روایات، در صورت حجت نبودن ایشان قابل استفاده و استناد نیست، در صورتی که امامان معصوم (علیهم السلام) از ایشان نقل روایت می کنند. ۳. همچنین عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) دلیلی برای حجت خدا بودن ایشان است. ۴. کفویت حضرت علی (علیه السلام) با حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز دلیل دیگری بر حجت خدا بودن است که بدان اشاره شده است.

منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (بی تا)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلد، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول.
۲. ابن حنبل، احمد، (۱۴۲۱ق)، مسند الامام أحمد بن حنبل، محقق شعیب الأرنؤط، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقانیس اللغة، ۶ جلد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۵. انوری، حسن، اخیانی، جمیله، (۱۳۸۱ ش)، فرهنگ سخن، تهران، نشر سخن.
۶. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴/۱۲/۱۶)، «مصحف فاطمه (سلام الله علیها) چیست و چگونه جمع آوری شده است؟»، پایگاه اطلاع رسانی بنیاد بین المللی علوم اسلامی اسراء، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۷/۱۹)، <http://www.esra.ir>.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلد، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول.
۹. حداد، کفاح، (۱۴۳۶ق)، قرائة فی السیرة الفاطمیة، کربلا، العتبة الحسینیة المقدسه - قسم الشئون الفکریة و الثقافیة.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، ۳۰ جلد، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
۱۱. حسینی واسطی، سید محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.
۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.

۱۳. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹ ش)، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۹ ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق، دار العلم - الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۶ جلد، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۷. شریف المرتضی، علی بن الحسین، (۱۴۰۵ ق)، رسائل الشریف المرتضی، قم، دارالکتب.
۱۸. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۶۹ ق)، راه سعادت، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ جلد، تهران، نشر جهان، چاپ اول.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی.
۲۱. طبری، عمادالدین، (۱۳۸۳ ش)، کامل بهائی، تهران، مرتضوی.
۲۲. فاضل استرآبادی، محمد، (۱۳۹۴/۱۰/۶)، مصاحبه حضوری.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، مصباح المنیر، قم، دارالهجره.
۲۴. قمی، شیخ عباس، (بی تا)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الأنوار، قم، اسوه.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۷. مسعودی، محمد فاضل، (بی تا)، أسرار الفاطمیة، قم، زائر.
۲۸. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران، مرکز کتاب لترجمه و النشر، چاپ اول.
۲۹. مقریزی، أحمد بن علی، (۱۴۲۰ ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳۰. موسوی، محمدباقر، (۱۳۸۶ ش)، الكوثر فی احوال فاطمة بنت نبي الأطهر، ۷ جلد، قم، دلیل ما.